یادگیری زبان مثل کودکان؟

Since the beginning of my career

از ابتدای کارم

I have always cherished the idea of learning a language

همیشه ایدهی یادگیری زبان

just like children.

دقیقا مثل یه بچه رو گرامی داشتم.

But for most of you guys,

ولی برای بیشتر شمایی که

while studying your textbooks in a class-based method,

کتابهای آموزشی رو با روش کلاس زبانی میخونید

hearing this sounds a little off.

ممكنه شنيدنش، بهنظر خوب نياد.

| Today we'll talk about it. | |
|--|--|
| | امروز در این مورد صحبت میکنیم. |
| Let's start with this | |
| | بذار با این شروع کنیم |
| Studies have shown that learning a lange | uage |
| ئ | مطالعات نشون دادن که احتمال یادگیری زبار |
| at a native-like level is more possible | |
| | در سطح یه بومی زبان |
| before the age of twenty. | |
| | قبل از سن ۲۰ سالگی بیشتره |
| This being said, let me clarify | |
| | با این حال، بذار برات شفافسازی کنم |

| why most | people struggle | to achieve this | s level of mastery |
|----------|-----------------|-----------------|---------------------------------------|
| , | | | · · · · · · · · · · · · · · · · · · · |

که چرا بیشتر آدم ها برای اینکه بعد از ۲۰ سالگی

after the age of 20.

به این سطح از تسلط برسن تقلا میکنند.

We still have the same brain,

ما همچنان همون مغز رو داریم

we still have a lot of potential to learn

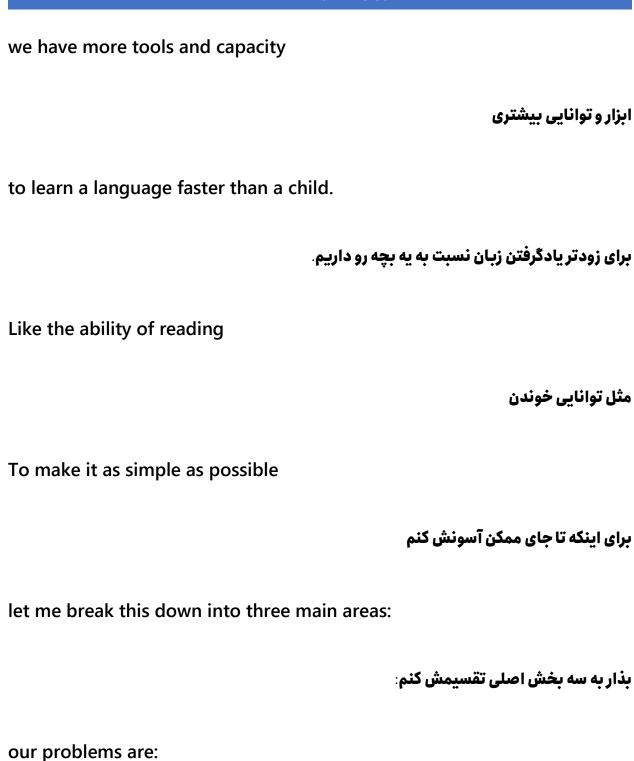
هنوز همون پتانسیل یادگیری رو داریم

especially in this era of technology,

مخصوصا تو این عصر تکنولوژی

and now as an adult

و حالا به عنوان په بزرگسال



مشكلات ما اينها هستن:

| 1 | ۱. | Li | m | iti | ng | j l | be | lie | fs |
|---|----|----|---|-----|----|-----|----|-----|----|
| | | | | | _ | • | | | |

یک: باورهای محدود کننده

2. Psychological obstacles

دو: موانع روانی

and 3. Life circumstances

و سه: شرایط زندگی

Let's start with the first one

بریم با اولی شروع کنیم

Limiting beliefs.

باورهاى محدودكننده

How many times have you postponed speaking the language

چند بار تا حالا صحبت کردن به اون زبان رو

| oecause you la | acked self-confidence? |
|----------------|------------------------|
|----------------|------------------------|

بخاطر عدم اعتماد بهنفس عقب انداختي؟

Children simply don't give a damn.

بچهها به سادگی اهمیت نمیدن.

If they use the wrong verb,

اگه از فعل اشتباهی استفاده کنن

they still continue speaking the language.

بازهم صحبت کردن به اون زبان رو ادامه میدن.

Because unlike us, adults

،چون برخلاف ما، بزرگترها

they are massively focused on communication

اونها شدیدا روی ارتباط برقرار کردن متمرکز هستن

| WWW.ZABANSHENAS.COM |
|--|
| rather than looking cool or perfect. |
| به جای اینکه رو خفن یا بینقص بهنظر رسیدن تمرکز کنن |
| Thanks to school and the grading system |
| به لطف مدرسه و سیستم نمره گذاری |
| we have been turned into judgy people. |
| ما تبدیل به آدم های قضاوتگری شدیم |
| And all of these bad beliefs |
| و تموم این باورهای بد |
| will slow us down. |
| سرعتمون رو کم میکنن. |

Thank god we as adults

خداروشکر ما به عنوان بزرگسال



اگه بخوایم میتونیم همهی اینها رو برگردونیم به حالت قبل.

From now on focus on the communication, not perfection.

از این به بعد، تمرکزت رو بذار رو ارتباط برقرار کردن، نه عالی بودن.

Number 2

شماره دو

Psychological obstacles

موانع روانى

Most of you use vocab lists to learn new vocabulary.

بيشرتون براى ياد گرفتن لغات جديد از ليست لغات استفاده ميكنين.

Most of you

بيشترتون

don't even want to try learning a language through context

حتی نمیخواین یادگیری زبان از طریق متن رو امتحان کنید

because for whatever reason you feel like it's crap

چون بنا به یه سری دلایل، فکر میکنین بیخوده

or a huge waste of time.

يا وقت تلف كردنه.

Or maybe you say I'm old,

یا شایدم میگین که من سنم بالاست

or I'm not smart enough

یا به اندازهی کافی باهوش نیستم

or I'm not rich enough to buy this amazing course...

یا اونقدری پولدار نیستم که این دوره ی عالی رو بخرم...



یس در نهایت آسون ترین مسیر ممکن رو در پیش میگیرین.

It's easy to memorize vocabulary through vocab lists,

حفظ كردن لغات از ليست لغات آسونه

it's easy to study textbooks in a classroom with a teacher.

خوندن کتابهای آموزشی تو کلاس همراه با معلم آسونه.

Because it's easy for you to blame that person

چون سرزنش کردن اون آدم

or that thing for your failure.

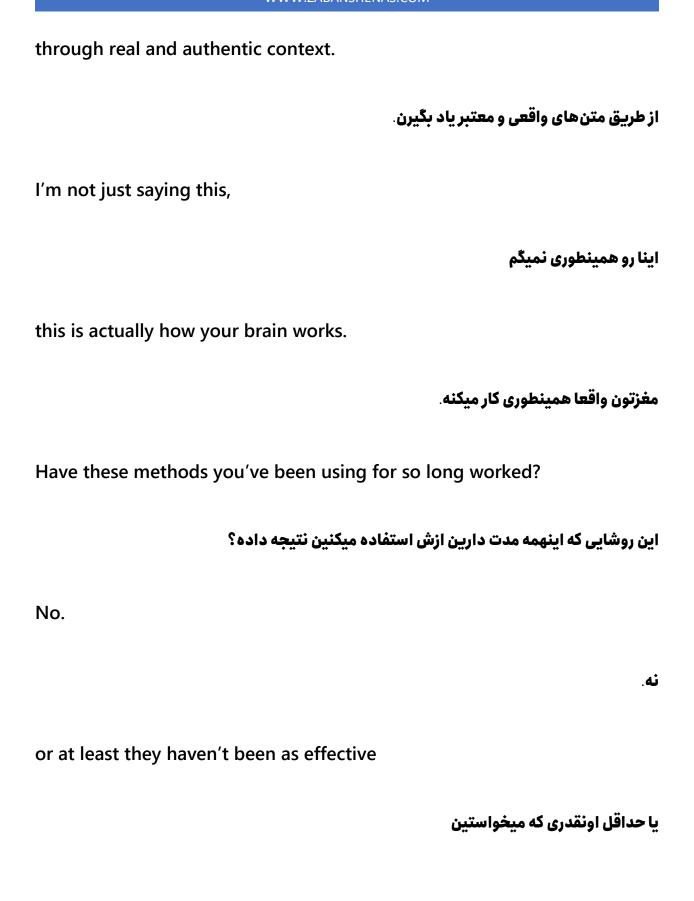
یا اون چیز بخاطر شکستت آسونه.

These are the obstacles we have in our brains.

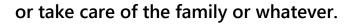
اینا موانعی هستن که تو مغزمون داریم.

Everyone should be able to learn independently

همه باید یاد بگیرن به طور مستقل







یا از خونواده سرپرستی کنن یا هرچی.

They are free as hell

آزادِ آزادن

So yeah, I get it.

خب آره، ميفهمم

These lucky monsters can learn much easier than us.

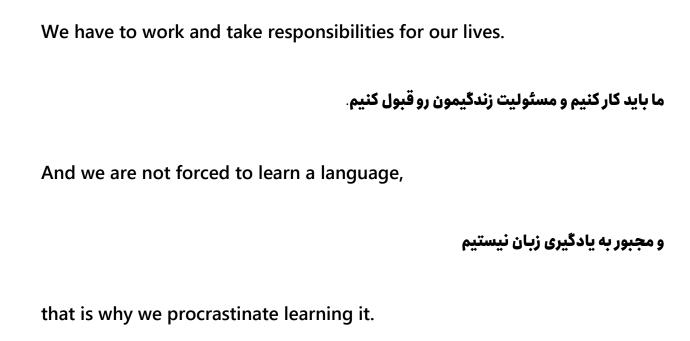
این هیولاهای خوشبخت خیلی راحت تر از ما میتونن یاد بگیرن.

Indeed they don't have a choice...

در واقع انتخاب دیگهای ندارن...

They have to learn the language otherwise they can't survive.

اونا باید زبان یاد بگیرن، وگرنه نمیتونن دووم بیارن.



Those lucky monsters

and that is TIME.

have another advantage over us

واسه همینه یادگیریش رو پشت گوش میندازیم.

اون هیولاهای خوشبخت

و اون زمانه.

په برتری دیگه هم نسبت به ما دارن

| Let me break it down for yo | u |
|-----------------------------|---|
|-----------------------------|---|

بذار خوب برات توضیحش بدم.

let's assume to reach fluency in English

بیا فرض کنیم برای رسیدن به سلاست تو انگلیسی

you need 500 hours of focused studding.

به ۵۰۰ ساعت مطالعهی متمرکز نیاز داری.

If we do the math

اگه حساب کنیم

we will see it takes more than 500 days

میبینیم که بیشتر از ۵۰۰ روز طول میکشه

which is equivalent of almost a year and a half

که تقریبا برابره با یک سال و نیم



برای یادگیری انگلیسی لعنتی.

But the child sleeps 8 hours a day

ولی یه بچه ۸ ساعت در شبانه روز میخوابه

and has 16 hours to immerse himself to the language.

و ۱۶ ساعت برای اینکه خودش رو غرقِ در زبان بکنه وقت داره.

And let's say this immersion continues to the age of 18.

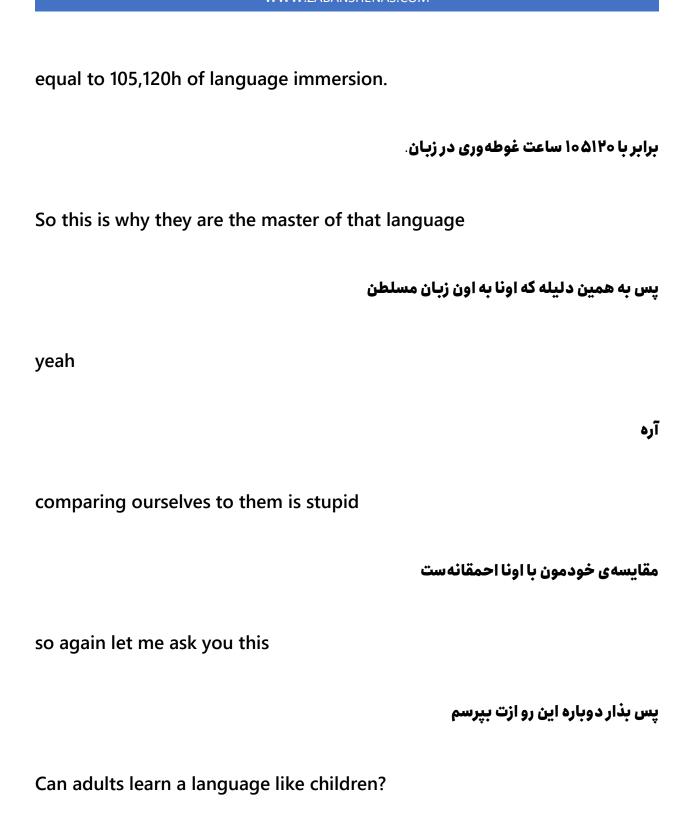
و فرض کنیم این موضوع تا ۱۸ سالگی ادامه پیدا میکنه.

These little cute monsters, can:

این هیولاهای کوچیک بامزه میتونن:

16h multiply by 365days multiply by 18 years

۱۶ ساعت ضربدر ۳۶۵ روز ضربدر ۱۸ سال



بزرگسالان میتونن مثل بچهها زبان رو یاد بگیرن؟

| the answer is: of course they can |
|--|
| جوابش اینه: معلومه که میتونن |
| If they maintain positive, consistent |
| اگه مثبت، ثابت قدم |
| and of course optimistic. |
| و البته خوشبين بمونن. |
| The method children are using is to immerse themselves |
| روشی که بچهها استفاده میکنن غوطهوری |
| into the language. |
| در زبانه. |
| Can you immerse yourself into the language? |
| شما میتونین خودتون رو کاملا در زبان غوطه ور کنید؟ |



But if you are not living in these countries

ولی اگه تو این کشورها زندگی نمیکنی

which I'm sure most of you aren't

که مطمئنم بیشترتون نمیکنید

you can still simulate that environment for yourself.

هنوز هم میتونی اون محیط رو برای خودت شبیهسازی کنی.

Of course it's not going to be exactly

البته كه قرار نيست دقيقا

like living in those countries

مثل زندگی کردن تو اون کشورها باشه

but it's going to be enough to get you fluent in English.

ولی برای سلیس شدن در انگلیسی کافیه.

Start reading books, listening to podcasts, watching movies,

شروع کن به مطالعهی کتاب، گوش دادن به پادکست، تماشای فیلم

speaking with your partners and so on.

حرف زدن با پارتنر و غیره.

And I gotta mention

و باید اینم ذکر کنم

you can find all of these in Zabanshenas.

میتونید همهی اینا رو تو زبانشناس پیدا کنید.

Books, podcasts, movies, courses

کتاب، پادکست، فیلم، دوره

anything you want you can find in Zabanshenas.

هرچیزی که بخواید رو میتونید تو زبانشناس پیدا کنید.

Check out the link in bio or this link.

لینک تو بایو یا این لینک رو چک کن.

Until next time. cheers!

تا دفعه ی بعد. خدانگهدارا